

یوسف بخشی خوانساری

یوسف بخشی خوانساری در سال ۱۲۹۸ ش در خوانسار به دنیا آمد. او از دوران تحصیل شعر می‌سرود، پس از پایان تحصیلات همچون پدر به تجارت پرداخت. در سال ۱۳۲۲ ش، از خوانسار به اراک و از آنجا به الیگودرز رفت. به سال ۱۳۳۰ ش به تهران آمد و در یکی از مؤسسات ملی استخدام شد.

شهرت او به اشعار اوست که به گویش خوانساری سروده شده است. عمده مضامین شعرش خوانسار و توصیف شرایط اقلیمی و اجتماعی آن از زبان جوان خوانساری است. عشق و جوانی نیز از دیگر موضوعاتی است که در اشعارش جلوه کرده است. اگرچه شعر او از نظر وزن و قافیه تقریباً بی‌عیب است اما پختگی و کمال محتوا و موضوع در آن کمتر مشاهده می‌شود همچنین دید و بینش شاعر در بیشتر اشعارش معطوف به دنیای بیرونی و محسوسات است. از لابه لای گفتارش می‌توان آداب و رسوم و باورهای مردم خوانسار را جست و جو کرد. در حقیقت بخشی اشعارش را دستمایه ی بیان آداب و رسوم شهر خود قرار می‌دهد و به اشعار عاشقانه دیوان او نیز می‌توان به این دید نگاه کرد. آن چه در اشعار او کاملاً مشهود است صداقت و صمیمیت جوانی است که عشق شهر خود و مردم دیارش او را به سرودن اشعار ساده و روان واداشته است. او می‌داند که بقای یک فرهنگ و قوم و ملت به بقای زبان او وابستگی کامل دارد.

اهمیت اشعار بخشی در این است که توانسته است بسیار از کلمات و اصطلاحات گویش خوانسار را برای آیندگان حفظ نماید. گویشی که ریشه در زبان‌های کهن ایران‌زمین دارد و با گویش مردم مناطق مرکزی ایران چون سمنان و نطنز و نائین و.. هم‌ریشه است.

از آثار وی: "تذکره شعرای خوانسار"؛ "ترانه خوانسار به لهجه محلی"، به طبع رسیده است؛ "مشاهیر خوانسار"؛ "تاریخ خوانسار"؛ "خوشنویسان خوانسار"؛ "دیوان اشعار محلی"؛ "دیوان بخشی". این مجموعه شامل اشعاری است که عمدتاً در قالب غزل، مثنوی و رباعی با موضوعاتی همچون عشق، اندوه، انتظار، تنهایی، امید، مادر پدر و نظایر آن سروده شده است

مردم خوانسار اکنون و با گذشت بیشتر زمان به اشعار او اهمیت می‌هند و عظمت کار او را درک می‌کنند. در زیر به بررسی یکی از اشعار او می‌پردازیم.

با این که بار عشقِ دُنوان ز پامِ خوسو
دنبالِ تَکَنُوشِتم وُرَتانِ اِگر چه نَدَنان
ای یارِ نازِنینِ پا ری به هَر وَری نِه
دلِ درِ پیِ تو اِچو مَن درِ پیِ دلِ اِشان
یَک رو نَبِه گِه بی غمِ یَک دِیقَه سر کِرائی
ازِ شهرخود چو بلبلِ آواره‌یان و هَر رو
ای بلبَلانِ صحرا هِنگوم خُونَدِ خونو

چندتارباعی و دویتی از بخشی:

هر کی به کسی گِه طرحِ سِیماژژ رت
هر کا گِه شِراب و نِمکی گیرژ تارت

بَش سرو به تا غم و مِلالی تَکِشه
دوَلّا تَکِنی به ژیرِ هَر بارِ غمی

شی و رو مثلِ ایرِ تارِ بُرمان
به کَنجِ غُربتِ اَنالانی از دل

دلی از درد و غمِ آغَسَه داران
وَرژمالا خوشی از چُنْدِم، از وا

به مَن داژندِه بخشی بُرمه تاکی
ز جوش و غصّه رَنگی بد نمُندی

ری کولِ جونِ نانی بِینان به کامِ خوسو
مَن ری به عرشِ رَسنو یا مِینِ چامِ خوسو
با یَک کِسی دو چَشِمِد از عَشوَه رامِ خوسو
دلِ اِک چه هِشْتَه هِشْتَه از حال و نامِ خوسو
باللهِ درد و مِحت از تَنگ و تامِ خوسو
دیدارِ گل به یادِ گلزارِ وامِ خوسو
بَلدینِ گِه تا بَنالانِ غُربت زِ پامِ خوسو

اِنکاره‌ی حُسن درِ سَراپاژژ رت
دوغابژ کُرت و مِینِ چَشماژژ رت

تا بارِ گِرونِ هَر خیالی تَکِشه
نا مَنّت دُولِ چون نِهایِ تَکِشه

ز رَنجِ دیری دِلدارِ بُرمان
بِهیادِ اُوشرا خوسارِ بُرمان

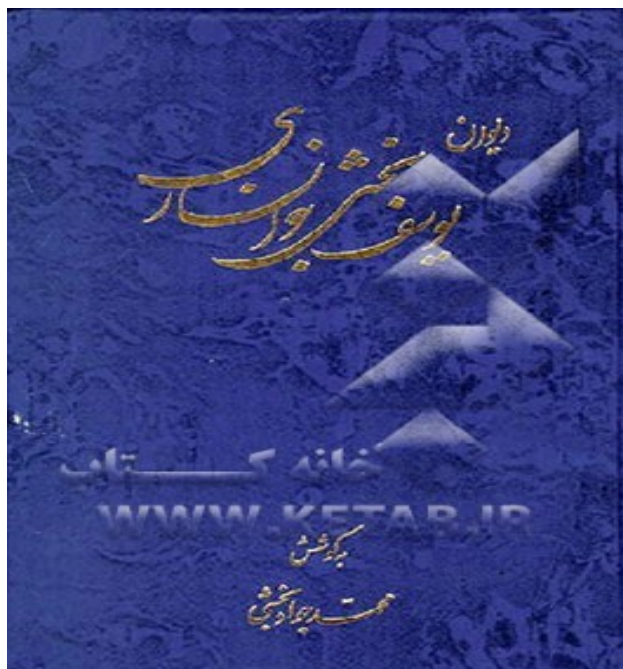
تِنی رَنجور و حالی خِسنِ داران
گِه اژدونا غمی واوِسَه داران

سَر شی تا سحر و لخورمَه تا کی
چه دَرْدی بُوا دِلِ هُرمه تاکی



@Khansaralumni

کتابخانه کهنسار



الف) قلمرو زبانی:

- ۱- کدام واژه ها در اشعار فوق در زبان کنونی مردم خوانسار رایج نمی باشد؟
- ۲- کدام واژه ها در این شعر نقش مفعولی دارد؟
- ۳- تحقیق کنید در گویش خوانسار نقش نمای مفعولی چیست؟
- ۴- فعل را در اولین جمله ی بیت آخر مشخص کنید.

ب) قلمرو ادبی:

- ۱- مصراع دوم کدام بیت تاکید بر مصراع اول آن می باشد؟
 - ۲- این شعر در کدام یک از انواع ادبی جای می گیرد؟ چرا؟
 - ۳- آرایه های موجود در بیت ششم را توضیح دهید.
 - ۴- کنایه های زیر را معنی کنید:
- مینِ چامِ خوشو: از تنگ و تام خوشو:
- ۵- شعری دیگر از بخشی خوانساری در کلاس بخوانید.
 - ۶- شخصیت های دینی، علمی، هنری دیگری را از شهرستان خوانسار نام ببرید.

ج) قلمرو فکری:

- ۱- موضوع فکری غالب در غزل درس چیست؟
- ۲- مفهوم کلی بیت اول را بنویسید.
- ۳- این بیت با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
- «از بخت خود به غیرِ بلا چیرم ندی دیرِ شَمک به بختی اگر درِ خُو ادوَرُو»
- ۴- فکر غالب بر هریک از رباعی و دوبیتی ها را مشخص کنید.
- ۵-